

جهانی شدن و بازدارندگی هسته‌ای

حیدرعلی بلوچی^۱

طرح مسأله

در ادبیات امروز روابط بین‌الملل، بحث جهانی شدن به یکی از گفتمان‌های مسلط تبدیل شده است. نگاهی به عناوین سخنرانی‌ها، میزگردها و سمینارهای مختلف در جهان و بخصوص تحقیق و جستجو در مجلات معتبر بین‌المللی این نکته را تأیید می‌کند. درخود ایران نیز توجه زیادی به این امر شده است و هر متفکر یا گروهی با توجه به جهان‌بینی و خواسته‌های خود به برداشتی از جهانی شدن رسیده و نسبت به آن موضع گرفته است. هرچند عمده محققان و صاحب‌نظران در سطح بین‌المللی جهانی شدن را تقریباً از بعد اقتصادی آن نگریسته‌اند، ولی توجهی هرچند کوچک به ابعاد سیاسی و اجتماعی جهانی شدن نیز وجود داشته است. به عبارت دیگر، در مقابل بعد اقتصادی جهانی شدن که حجم عظیمی از ادبیات مربوطه را به خود اختصاص داده است، ابعاد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نیز مورد غفلت قرار نگرفته‌اند و حداقل نیم نگاهی به آنها نیز معطوف شده است. اما به جرأت می‌توان گفت که بعد نظامی چه در سطح داخلی در ایران و حتی در سطح بین‌المللی مورد غفلت قرار گرفته است. در ایران هنوز مقاله‌ای خاص در

۱. حیدرعلی بلوچی، کارشناس دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی است.

این زمینه منتشر نشده است.^(۱) در سطح بین‌المللی، بخصوص در ادبیات انگلیسی زبان نیز فقط می‌توان بندهایی فرعی یا پاراگراف‌هایی کوچک در لابلائی مقالات پیدا کرد که صرفاً به صورت کاملاً گذرا و در حد اشاره به بعد نظامی جهانی شدن اکتفا نموده‌اند.^(۲) و به صورت دقیق و مفصل به این امر مهم نپرداخته‌اند. غافل از این که مسائل نظامی و به خصوص تحقیق و توسعه نظامی نقش مهمی در پدیده جهانی شدن داشته و خیلی از آن متأثر شده‌اند.

حال برای جبران این خلأ شایسته است تأثیر جهانی شدن در امر نظامی هم به صورت مفهومی و هم عملی مورد بررسی قرار گیرد. به نظر می‌رسد، بازدارندگی در تئوری و عمل انتخاب مناسبی برای بررسی تعامل بین دو متغیر فوق‌الذکر یعنی جهانی شدن و مسأله نظامی باشد، زیرا بازدارندگی در ادبیات موجود برپایه و در چارچوب نظامی تعریف شده است و انتخاب آن به ما کمک خواهد کرد تا بتوانیم به صورت علمی به این مسأله پردازیم. یعنی به صورت کاملاً چارچوب بندی شده و دقیق و با نگاه تخصصی به بررسی لازم اقدام کنیم و در عین حال، از آنجائی که مسأله نظامی عنوان بسیار کلی و خیلی گسترده‌ای است، انتخاب بازدارندگی در حقیقت محدود ساختن موضوع برای بررسی دقیق می‌باشد.

مقاله حاضر، برای رفع این نقیصه نوشته می‌شود و سازمان‌دهی آن عبارت خواهد بود از: در بخش اول تعاریف دو مفهوم جهانی شدن و بازدارندگی را مورد مطالعه قرار می‌دهیم و ضمن ارائه تعریفی از هر دو مفهوم به عنوان نقطه عزیمت این تحقیق که ادعاهای بعدی هم بر روی همین تعاریف استوار خواهند شد، به نظریه بازدارندگی از دید مهم‌ترین نظریه پرداز مربوطه می‌پردازیم. در بخش دوم، که در حقیقت بخش اصلی مطالعه بر روی آن متمرکز خواهد بود، تأثیر جهانی شدن بر روی بازدارندگی مورد بررسی قرار می‌گیرد. بدین ترتیب که دلایل و چگونگی این تأثیر را در دو قسمت مطالعه می‌کنیم. ابتدا به صورت گذرا تأثیر جهانی شدن بر روی مفهوم امنیت مورد بررسی قرار می‌گیرد که به نظر من با ظهور ابعاد جدید امنیت در اثر جهانی شدن، جایگاه بازدارندگی به عنوان بعد نظامی امنیت متحول شده است. سپس تحول ماهیت امنیت نظامی مورد بررسی قرار می‌گیرد تا نشان داده شود که جهانی شدن، امنیت نظامی و به طریقی خود

بازدارندگی را متحول کرده است و بالاخره در بخش سوم با ارزیابی یافته‌های به دست آمده در طول تحقیق، به نتیجه‌گیری خواهیم پرداخت.

بخش اول (تعاریف

۱. جهانی شدن

همانطور که گفته شد، جهانی شدن در ادبیات روابط بین‌الملل امروزی، به یک گفتمان مسلط تبدیل شده است. برای تعریف جهانی شدن دیدگاه‌ها و نظریات مختلفی ارائه شده است.^(۳) عمده محققان جهانی شدن را در بعد اقتصادی قبول دارند و برخی دیگر جنبه‌های سیاسی و اجتماعی را نیز بدان اضافه می‌نمایند. بخصوص، فن‌آوری ارتباطات و در رأس آن ارتباطات شبکه‌ای از طریق اینترنت به مهم‌ترین عنصر تعریف جهانی شدن تبدیل شده است. اما از ورای این تعاریف می‌توان به نکته دیگری دست یافت، مبنی بر این که اجماعی عام بر سر تعریف جهانی شدن وجود ندارد.^(۴) بالاتر از این حتی می‌توان گفت که در تعاریف ارائه شده در مورد جهانی شدن پیامدها و ابزارهای جهانی شدن مثل اینترنت و فن‌آوری ارتباطات به جای خود جهانی شدن در نظر گرفته می‌شوند یا این که با تمرکز بر یک بعد به ابعاد دیگر عنایتی ندارند. درحالی‌که جهانی شدن مستلزم تعریفی فراتر است. روح جهانی شدن با پی آمدها و ابزار آن متفاوت است. براین اساس، تعریف جهانی شدن عبارت است از: گسترش فزاینده ارتباط میان پدیده‌ها در مقیاس جهانی.^(۵) یعنی، یک پدیده فرضی در اثر جهانی شدن نه تنها در معرض اثرپذیری از کل پدیده‌های دیگر جهان قرار می‌گیرد، بلکه به تنهایی می‌تواند بر آنها اثر نیز بگذارد. با توجه به زمینه تحقیق حاضر، می‌توان گفت که یک ابزار، سیاست و ساختار نظامی در عین اثرپذیری از دیگر پدیده‌های عالم بر آنها نیز تأثیر می‌گذارد.

جهانی شدن روندی است که ریشه آن به چند قرن پیش و آغاز دوره رنسانس برمی‌گردد. انقلاب‌های کشاورزی، صنعتی و انفورماتیک فازهای اصلی این روند هستند. در روند جهانی شدن، جهان لحظه به لحظه در حال تغییر و دگرگونی و تبدیل شدن به مکانی بسیار متفاوت حتی

در مقایسه با یک دهه قبل است. موجی سریع و کوبنده با آهنگی بی سابقه در حال دگرگون ساختن کلیه جنبه‌های زندگی بشر در کره ارضی است و به سوی آینده‌ای ناشناخته پیش می‌تازد. چنین به نظر می‌رسد که درک ما از این پدیده با مشکل هستی‌شناختی برخورد کرده باشد. طبقه‌بندی‌های قدیمی دیگر چندان معنا و مفهومی ندارند و طبقه‌بندی‌های جدید در حال تکوین هستند.^(۶)

البته در این بحث دو نکته دیگر لازم به تأکید است: با توجه به این که هدف اصلی تحقیق حاضر در اصل بررسی آثار جهانی شدن بر بازدارندگی است، نه بالعکس، به حالت دوم پرداخته نخواهد شد و نیز با توجه به این که پرداختن به بحث جهانی شدن به همین میزان، ما را برای رسیدن به مقصود این تحقیق یاری خواهد کرد، از بحث بیشتر آن، به خصوص به دلیل مباحثی که به تفصیل در ادبیات موجود ارائه گردیده، برای پرهیز از تکرار مکررات، صرف‌نظر شده و جهت اطلاع بیشتر از کم و کیف مباحث و دیدگاه‌های مختلف به منابع دیگر ارجاع داده می‌شود.^(۷)

۲. بازدارندگی

شاید پس از جنگ جهانی دوم، یکی از رایج‌ترین اصطلاحات روابط بین‌المللی بازدارندگی بوده است. نظریه بازدارندگی مبتنی بر مکتب رئالیسم است و از دهه ۱۹۶۰ معنی خاص و متمایزی پیدا کرده است. بازدارندگی را به صورت عام این چنین می‌توان تعریف کرد: متقاعد ساختن حریف نسبت به این که هزینه‌ها و یا خطرات خط مشی احتمالی او از منافع آن بیشتر است.^(۸) اما چنین تعریفی نه تعریف رایج بازدارندگی در زمان جنگ سرد بود و نه تحقیق حاضر برای رسیدن به مقصود آن را کافی می‌داند. زیرا دامنه شمول عام و گسترده آن به قدری است که می‌تواند همه ابعاد زندگی از روابط فردی گرفته تا روابط گروه‌ها و تشکیلات و یا روابط همه جانبه و در ابعاد مختلف مثل رابطه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بین دولت‌ها را در برگیرد. در حقیقت در زمان عصر هسته‌ای بود که مفهوم بازدارندگی به صورت متمایز و جدی تعریف شده و از زمان اعلام دکترین "انتقام گسترده" از سوی دولت آیزنهاور بود که بحث پیرامون بازدارندگی هسته‌ای به صورت جدی آغاز شد. در صورتی که قبل از آن در متون مربوط به روابط

بین‌الملل و نظریه‌های استراتژیک اصطلاح بازدارندگی به چشم نمی‌خورد. از این دیدگاه بازدارندگی این چنین معنی می‌یابد: تهدید صریح مبنی بر انتقام‌گیری به شدت ویران‌کننده.^(۹) بنابراین مجدداً تأکید می‌گردد که در این تحقیق، بازدارندگی از بعد نظامی منظور نظر است. حال به بررسی عناصر صریح و ضمنی مندرج در این تعریف پرداخته و به نظر یکی از نظریه‌پردازان مهم بازدارندگی اشاره می‌کنیم.

۲-۱- عناصر تعریف بازدارندگی - شرایط عینی: شکی نیست که برای تأمین توان بازدارندگی، داشتن میزانی از توانایی‌های نظامی و تکنولوژیک لازم است و بدون آن در حقیقت رسیدن به مرحله بعدی که اثرگذاری در ذهن و باور طرف مقابل است، میسر نخواهد بود. بنابراین، گام اول برای تأمین بازدارندگی داشتن تسلیحات است که بالطبع میزان، نوع و فن‌آوری مربوط به این تسلیحات در بالا بردن یا تنزل سطح بازدارندگی مؤثر می‌باشند. البته سطح معینی نیز برای این امر مشخص نیست و در این رابطه، برای کشورهای مختلف سطوح متفاوتی مؤثر خواهند بود.

شرایط ذهنی: منظور از شرایط ذهنی، محیط روانی طرفین بازدارندگی است. به عبارت دیگر، از نظر ذهنی کشور (الف) باید آمادگی عملی نمودن تهدید را داشته باشد و کشور (ب) نیز از نظر ذهنی متقاعد شود که در صورت عدم تمکین در مقابل کشور (الف) مورد حمله قرار خواهد گرفت.

مبادله اطلاعات: برای حصول بازدارندگی، اطلاعات مربوط به شرایط عینی و ذهنی طرفین باید مبادله شود تا سطح آگاهی آنها افزایش یابد. این امر به دو صورت تحقق می‌پذیرد. نخست، از طریق مبادله یا اعلام آشکار اطلاعات که نشانگر توانایی‌ها و مقاصد طرفین است. در حال حاضر، چنین سازوکاری از طریق برنامه ثبت تسلیحات در سازمان ملل رایج است و یا به صورت شیوه‌های پنهانی ممکن اطلاعات به دست می‌آید. یعنی، یک کشور در عین این که برای کنترل صحت و سقم اطلاعات ارائه شده از سوی حریف می‌تواند جاسوسانی به آن کشور اعزام

نماید، حتی به صورتی تعارض نما نیز ممکن است برای اثربخشی به اطلاعات ارائه شده از سوی خود، آگاهانه به جاسوسان طرف مقابل اجازه ورود و اقدامات جاسوسی را بدهد و در کار آنها اختلالی ایجاد نکند. چنین روشی در زمان جنگ سرد بین امریکا و شوروی رایج بود. به عنوان مثال به جاسوس‌های طرف مقابل اجازه می‌دادند تا از مراکز هسته‌ای و یا سایت‌های موشکی بازدید کرده و مراتب را به کشور متبوع خود گزارش دهند.

عقلانیت طرفین: مفهوم بازدارندگی بر این عقیده استوار است که طرفین محاسبات خود را به صورت عقلانی انجام می‌دهند و بدیهی است که عقل به قبول هزینه‌هایی بیشتر از منافع به دست آمده حکم نمی‌کند.

عدم توسل به زور: براساس محاسبه عقلانی، حتی با وجود تهدید به اعمال زور، جنگی بین طرفین صورت نخواهد گرفت و صرف تهدید برای تأمین هدف کارساز خواهد بود.

شرایط خاص: این شرایط خاص ناظر بر ویژگی‌های خاص هر کشور است. به طوری که هر تهدیدی علیه هر کشور نتیجه مشخصی را به بار نخواهد آورد. درحالی‌که ممکن است یک کشور در مقابل تهدیدهای سطح پائین نیز تسلیم شود، کشوری دیگر ممکن است در مقابل تهدیدات بسیار شدید نیز سر تسلیم فرود نیاورد.

۲-۲- نظریه برنارد برودی - از دهه ۱۹۶۰ به بعد به لحاظ اهمیت نظریه بازدارندگی، نظریه‌پردازان مختلفی مثل الکساندر جورج، ریچارد اسموک، هرمان کان، رابرت جرویس و دیگران در تجزیه و تحلیل، ارائه دیدگاه‌های جدید، انتقاد و پاسخ به انتقادات نظریه بازدارندگی پرداخته‌اند.^(۱۰) از این میان برنارد برودی به عنوان اولین و مهم‌ترین نظریه پرداز بازدارندگی در دوران جنگ سرد انتخاب شده است.

برودی که استاد دانشگاه ییل و محقق مؤسسه مطالعات استراتژیک رند در امریکا بود، عمده نظرات خود را در دو کتاب *استراتژی در عصر موشک‌ها*^۱ و *کتاب جنگ و سیاست*^۲ مطرح

1. Bernard Brodie, *Strategy in the Missile Age* (New York: Princeton University Press, 1959).

2. *War and Politics* (New York: McMillan, 1973).

کرده است. در اینجا صرفاً به طرح شاکله اصلی بحث او، به غیر از مباحث مربوطه به تعریف اهمیت و سابقه بازدارندگی پرداخته می‌شود.

۱. جنگ هسته‌ای تمام عیار کلیه ارزش‌های سیاسی و اجتماعی را نابود می‌کند، در نتیجه باید از آن پرهیز کرد. این بدان معنی نیست که برجسته کردن آثار زیانبار و غیرقابل قبول جنگ هسته‌ای طرف مقابل را به عدم وقوع جنگ متقاعد کند که در این صورت تهدید کارساز نخواهد بود.
۲. تهدید اعلام شده در بازدارندگی باید از تأثیری مطلق برخوردار باشد و هیچ خللی در آن راه نیابد. یا حداقل ضمانت اجرای آن تکراری و قبلاً انجام شده نباشد. وجود ابهام در مجازات احتمالی به تسلیم زودتر طرف مقابل کمک می‌کند. البته این به معنی ابهام در قاطعیت تهدید نیست بلکه به هر حال تهدید باعث خواهد شد تا هزینه‌های اقدام بیش از منافع آن جلوه نماید و در نتیجه از دست زدن به اقدام خطرناک خودداری خواهد شد.
۳. تأمین توان بازدارندگی مستلزم حفظ توان قابل بقای انتقام‌گیری به وسیله ضربه دوم است. یعنی برای اطمینان از بازدارندگی یک کشور باید از توان ضربه دوم برای تضمین بقای خود از یک طرف و شکست دادن طرف مقابل از سوی دیگر آسوده خاطر باشد.

بخش دوم) تأثیر جهانی‌شدن بر بازدارندگی هسته‌ای

همانطور که در مقدمه ذکر شد، این بخش شامل دو قسمت خواهد بود: تحول مفهوم امنیت به طور عام و تحول ماهیت مفهوم امنیت نظامی به طور خاص و هدف از این بررسی نشان دادن آثار جهانی‌شدن بر بازدارندگی هسته‌ای است.

الف) تحول مفهوم امنیت

از جمله مفاهیمی که به‌خصوص در فرایند جهانی‌شدن متحول شده و ابعاد جدیدی را پذیرا شده است، مفهوم امنیت می‌باشد. می‌توان به راحتی ادعا کرد که تا اواخر قرن ۱۹ و تا مدتی از قرن ۲۰، هرگونه بحث و نظر درخصوص امنیت، نظرها را به سوی امنیت نظامی معطوف

می‌ساخت و عمده‌ترین هدف دولت‌ها در تأمین امنیت جلوگیری از تأثیرپذیری در مقابل هرگونه تهدید و شکست نظامی بود. اما به تدریج با آغاز روند جهانی شدن نه تنها ابعاد جدیدی برای مفهوم امنیت ظهور کرده، بلکه خود امنیت نظامی نیز متحول شده است. در اثر این فرایندها، در اواخر قرن ۲۰ جنبه‌های جدید امنیت شامل امنیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مطرح گردید. حتی می‌توان گفت که در بعضی موارد دغدغه دولت‌ها درخصوص ابعاد جدید مفهوم امنیت حتی جنبه نظامی آن را تحت الشعاع قرار داده و در نتیجه از اولویت مطلق امنیت نظامی، آن چنان که در زمان سابق در جریان بوده کاسته شده است.

تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل، پیشرفت‌های سریع تکنولوژیک، تسهیل جریان‌ها فرامرزی، اندیشه‌ها و عقاید و تغییر قواعد بازی در عرصه روابط بین‌المللی از جمله مهم‌ترین عوامل این تحول می‌باشند. عملکرد دولت‌ها در سیاست بین‌المللی و حتی در عرصه سیاست داخلی مؤید همین ادعاست. (۱۱)

امروزه توجه کشورها به امنیت نظامی به دلیل روند نزولی و توسل به زور برای تأمین خواسته‌ها و اهداف، نسبت به سال‌های قبل کمتر شده است و در عوض تأمین رفاه و توسعه اقتصادی، امنیت اجتماعی و فرهنگی با اهتمام بیشتری دنبال می‌شود. لازم به ذکر است که قبول ظهور ابعاد و جنبه‌های جدید امنیت به معنی از بین رفتن کامل اعتبار امنیت نظامی نیست، زیرا به هر حال توسل به زور و جنگ همچنان به عنوان یک واقعیت عینی در جامعه وجود دارد. در اینجا منظور از توجه به ابعاد جدید، غیر از این که بررسی و تایید یک واقعیت عینی است، از قبل این بحث، تحول خود امنیت نظامی نیز پیگیری می‌شود. این تحول را از زوایای متعدد مثل پیشرفت‌های تکنولوژیک و قدرت نظامی، دکترین‌ها و استراتژی‌های مربوطه، تحول ساختار و وظایف نیروهای نظامی و نیز تهدیدات نظامی علیه امنیت جدید بررسی خواهیم کرد. لازم به ذکر است که پس از حوادث یازده سپتامبر و سیاست نظامی‌گرایانه دولت امریکا، روند روزافزون اهمیت ابعاد جدید امنیت کندتر شده و انتظار می‌رود تا فروکش کردن ترس روانی ناشی از

چالش‌های امنیتی جدید، جهان موقتاً شاهد پیشتازی سیاست‌های نظامی باشد ولی مطمئناً این روند همیشگی و حتی چندان طولانی مدت نخواهد بود.

ب) تحول مفهوم امنیت نظامی

۱. پیشرفت‌های تکنولوژیک و قدرت نظامی - تأثیر فن‌آوری در طول تاریخ جنگ کاملاً واضح است. هر یک از سه دوره انقلاب‌های معروف، ابزارها و تسلیحات جدیدی به وجود آورده‌اند. مثلاً ظهور چرخ در دوره انقلاب کشاورزی توان تحرک ابزارهای جنگی را سرعت بخشید. در دوره انقلاب صنعتی کشف ماشین بخار این سرعت را چند برابر کرد و انقلاب سوم (اطلاعات و انفورماتیک) ماهیت جنگ را متحول نمود. قابل ذکر است که هر یک از انقلاب‌ها نسبت به انقلاب قبلی در مدت زمان کمتری به ثمر رسیده‌اند، این در حالی است که انقلاب چهارم یعنی انقلاب سایبرنتیک کاملاً در حال وقوع است.^(۱۲)

به طور کلی ظهور فن‌آوری جدید همیشه در توسل به جنگ و شیوه‌های آن نقش مهم داشته و در نتیجه به افزایش ابعاد آن کمک کرده است. قدرت نظامی با به خدمت گرفتن فن‌آوری بر توان تفوق خود می‌افزاید. در عین حال برتری تکنولوژیکی در زمینه قدرت نظامی مستلزم سرمایه‌گذاری و هزینه زیادی است؛ چرا که تسلیحات موجود در اثر کشف‌ها و رقابت‌های موجود، کهنه شده و از دور خارج می‌شوند. همچنین فرآورده‌های جنبی این سرمایه‌گذاری‌ها اقدامات جدیدی را می‌طلبد. تأثیر پیشرفت فن‌آوری، کمک به افزایش مسابقه تسلیحاتی است که در طرح‌های تحقیق و توسعه متبلور گردیده و کمیت تسلیحات را بالا می‌برد و در نتیجه مسابقه به یک امر دائمی تبدیل می‌گردد.^(۱۳)

در حال حاضر انواع و اقسام تجهیزات نظامی در پرتو فن‌آوری پیشرفته هر روز متکامل‌تر می‌شود که از جمله می‌توان به بمب‌های نوترونی، سلاح‌های هدایت شونده، سلاح‌های لیزری، توسعه سیستم‌های موشکی و استفاده از کامپیوترهای هوشمند اشاره کرد. در نتیجه هرگونه پیشرفت فن‌آوری نظامی، امنیت نظام بین‌الملل را متأثر و دگرگون می‌سازد و

کشورها را به کسب سلاح‌های جدید ترغیب می‌نماید.

به طور کلی تأثیر پیشرفت‌های تکنولوژیک بر امنیت نظامی به بهترین وجه در "انقلاب در امور نظامی"^۱ خود را به نمایش گذاشته است. با انقلاب در امور نظامی تغییرات اساسی در ماهیت جنگ رخ داده و درائر آن می‌بایست شیوه‌ها و رهیافت‌های جنگی مورد ارزیابی مجدد قرار گیرند. البته این تحول عمدتاً در کشورهای پیشرفته اتفاق افتاده است. ولی به هر حال کلیه کشورها و نظام بین‌المللی به انحای مختلف از آن متأثر خواهند شد.^(۱۴)

۲. استراتژی‌های نظامی - با تحول در ابزارهای نظامی، تحول در موارد دیگر مربوط به امنیت نظامی نیز مورد انتظار می‌باشد. از جمله، استراتژی‌های به کارگیری از انواع نیروی نظامی برای رسیدن به اهداف دچار تغییر شده است. زمینه به کارگیری تسلیحات جهت تأمین امنیت نظامی را با توجه به تقسیم طرح نیروهای نظامی به سه حوزه می‌توان تقسیم کرد. اولین فعالیت‌های جنگی بشر بر روی خشکی بود. قبل از این که بشر موفق به تسخیر دریاها شود و یا برای سرکوب دشمن از طریق هوایی دست به کار شود در اولین مواجهه با دشمن، نیروها بر روی خشکی درگیر می‌شدند. به مرور زمان و پیشرفت‌های به دست آمده، امروزه امکان جنگ از راه‌های مختلف زمینی، دریایی و هوایی ممکن است. تحولات ناشی از جهانی شدن تأثیر بسیار ژرفی بر تمایل کشورها به انتخاب راه و مسیر اصلی جنگ گذاشته است و عمدتاً استراتژی‌های جنگی متکی بر نیروی هوایی به خصوص از سوی کشورهای پیشرفته مورد توجه زیادی است. نیروهای هوایی قوی به رغم هزینه‌های کلانی که تحمیل می‌نمایند، به لحاظ مزایای بسیار زیاد مورد توجه کشورها می‌باشد؛ به خصوص صنایع موشکی با قابلیت هدایت بسیار دقیق از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. در کنار اینها با پیشرفت فن‌آوری امکان استفاده از فضا نیز در جنگ‌ها مطمح نظر قرار گرفته است. با توجه به هزینه‌های گزاف و فن‌آوری پیچیده، تنها کشورهای اندکی آن را در استراتژی‌های دفاعی خود مدنظر قرار می‌دهند. در عمل نیز

استراتژی‌های نظامی به کار رفته پس از جنگ سرد نشان می‌دهند که در دو مورد جنگ‌های معروف دهه ۱۹۹۰، یعنی مقابله با حمله عراق به کویت و حمله ناتو به یوگسلاوی در بحران کوزوو، صرفاً استراتژی‌های جنگی هوایی اجرا شده‌اند و در عمل نیز موفق بوده‌اند.

روند جهانی شدن استفاده از نوع تسلیحات را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد و با انعقاد قراردادهای چندجانبه خلع سلاح و کنترل تسلیحات که بعداً مورد بحث قرار خواهد گرفت، کشورها در کاربرد این تسلیحات آزادی عمل کامل ندارند. سلاح‌های غیرمتعارف شامل سلاح‌های شیمیایی، میکربی و هسته‌ای، در عین داشتن توان ضربه استراتژیک، امروزه بنا بر عرف بین‌المللی و مقررات مکتوب مورد احترام کشورها، ممنوع تلقی می‌گردند؛ هر چند هنوز بعضی از کشورها دارای این تسلیحات می‌باشند و یا مشغول سرمایه‌گذاری برای کسب آنها هستند، اما خواست جامعه بین‌المللی مبتنی بر محدودسازی، منبع استفاده و در نهایت انهدام آنها است. تسلیحات متعارف نیز در عین این که در موارد مختلف به کار برده می‌شوند، تحت کنترل و نظارت بین‌المللی بوده و روزبه روز مقررات بیشتری در این خصوص وضع و اعمال می‌شود.

در مورد تأثیر جهانی شدن بر تغییر استراتژی‌های نظامی باید به سه استثنای بسیار مهم نیز اشاره کرد: (۱۵)

۱. استراتژی نوین ناتو تحت عنوان مفهوم استراتژیک ناتو در اجلاس سران این سازمان در سال ۱۹۹۸ در واشنگتن تدوین شد. مبنی بر این که ناتو مجاز خواهد بود به هنگام مواجهه با خطر استفاده از سلاح‌های شیمیایی و میکربی علیه اعضای سازمان، از سلاح هسته‌ای استفاده کند.

۲. استراتژی نوین امنیت ملی روسیه که در سال ۱۹۹۹ در واکنش به اقدام ناتو و نیز به دلیل استیصال از حل چالش‌های امنیت ملی مثل بحران چین، روسیه اعلام کرد که در مواقع مواجهه با چالش‌های جدی علیه تمامیت ارضی کشور (صرفنظر از نوع تهدید) از سلاح هسته‌ای استفاده خواهد کرد.

۳. استراتژی جدید امریکا که در اوایل سال ۲۰۰۲ میلادی با تأکید بر نقش مثبت سلاح‌های هسته‌ای در مدیریت امور بین‌المللی، استفاده از آن تسلیحات را در مقابل تهدیدهای پیش روی

امریکا و متحدانش مجاز تلقی می‌نماید.

این سه استثنا هر چند بر خلاف مقررات حقوق بین‌الملل بوده و اصل تناسب در دفاع مشروع را نادیده می‌گیرند، به هر حال نشانه‌ای از تلاش این کشورها برای زنده نگه داشتن مفهوم بازدارندگی است. البته این اقدامات از سوی دیگر کشورهای جهان کاملاً مورد انتقاد قرار گرفته‌اند.

۳. دکترین و ساختار نیروهای نظامی - جهانی شدن نتایجی را به بار آورده که در متن این نتایج دکترین‌های نظامی نیز متحول شده‌اند. همانطور که گفته شد در حال حاضر دکترین‌های نظامی عمدتاً بر نیروهای هوایی متکی هستند یا به سوی آن در حرکت می‌باشند. به دنبال این تحول، گرایش‌های دیگری در جهت تحول ساختار نیروهای نظامی پدید آمده است: ادغام هزینه‌ها از یک طرف و هماهنگی بین‌المللی و همچنین توجه بسیار زیادی برای فرماندهی و کنترل، توجه به پارامترهای مختلف مثل قدرت آتش قویتر، سود و هزینه‌ها و عوامل عملیاتی معطوف شده است. به طور کلی گفته شده که نیروهای مسلح باید در آینده برای موفقیت بیشتر موارد زیر را همواره مد نظر داشته باشند:

۱. استخدام و جذب افراد با توانایی بالا؛
۲. کسب تجهیزات مدرن با فن‌آوری پیشرفته؛
۳. ارائه آموزش‌های اساسی برای نیروها و نیز ایجاد قابلیت‌های لازم جهت شرکت در عملیات مشترک؛
۴. افزایش پایداری و توان شرکت در عملیات همزمان؛
۵. آگاهی از این که آموزش، لجستیک و نظریه لازم جهت شرکت در عملیات چندملیتی هزینه بردار است؛
۶. سازماندهی برای جنگ و سازگاری برای صلح با کسب توان مشارکت در جنگ بسیار شده به عنوان اولین هدف؛

۷. دقت در عدم جایگزینی روحیات (ترکیبی از احساس، ذهنیت و ویژگی‌های روحی نیروهای مسلح) با مدیریت و فرهنگ معامله و قرارداد. (۱۶)

این نظریات به طور کلی در مورد اکثر نیروهای مسلح جهان صدق می‌کند. در این زمینه تحول در هزینه‌ها نیز مورد توجه است. به طوری که در دهه ۱۹۹۰ با توجه به شرایط و اوضاع و احوال بین‌المللی سیاست‌های دولت‌ها به سوی کاهش هزینه‌های نظامی به حرکت افتادند. این کاهش عمدتاً از طریق کاهش در حجم صورت گرفت. (۱۷) البته از اواخر دهه ۱۹۹۰ مجدداً روند افزایش هزینه نظامی آغاز گردید، هر چند که هنوز به میزان مشابه اوج سال‌های جنگ سرد نمی‌رسد. (۱۸)

نکته‌ای که باید در مورد ساختار نیروهای نظامی در عصر جهانی شدن مورد تأکید قرارداد، این است که به رغم تحولاتی که در فوق به آنها اشاره شد، ساختار نیروهای نظامی هنوز به طور عمده برای جنگ پی‌ریزی شده و کنترل سنتی دولت‌ها بر نیروهای نظامی همچنان ادامه دارد. در عین این که دولت‌ها بر شعار کاهش هزینه‌ها تأکید می‌نمایند، میل واقعی به کاهش هزینه‌ها در عمل شاید همان میزانی که ادعا می‌شود نباشد؛ به خصوص که منافع اقتصادی ناشی از سرمایه‌گذاری‌های آن نیز ممکن است عاملی برای تداوم سیاست‌های نظامی باشد. البته قضاوت در این مورد بسیار سخت است و با توجه به عملکرد تک تک کشورها به نتایج دیگری می‌رسیم، ولی به طور کلی کشورهای توسعه یافته از نظر هزینه‌های نظامی در جایگاه‌های مختلفی قرار می‌گیرند. (۱۹)

۴. تهدیدات نظامی جدید - باتحولات ناشی از جهانی شدن، وضعیت تهدیدات نظامی سنتی به شدت متحول شده است. در حالی که در گذشته تهدیدات نظامی مبتنی بر ابزارهای نظامی و تسلیحات بودند، امروزه صور دیگری در تهدیدات نظامی نیز مطرح می‌باشند. بنابراین "مسائل امنیتی - نظامی غیر متعارف موجب تحمیل دستور کار جدید تهدید کننده‌ای به خصوص برای کشورهای در حال توسعه خواهد شد. همچنین گسترش ارتباطات و به هم وابستگی فزاینده،

تهدیدات نظامی - امنیتی را جهانی کرده و مداخله فراتر از منطقه‌ای را تشویق می‌نمایند.^(۲۰) در زیر به عمده‌ترین تهدیدات نظامی جدید شامل تروریسم، سلاح‌های کشتار جمعی، موشک و جنگ‌های غیرمستقیم می‌پردازیم.

۴-۱- تروریسم - ترور به عنوان نوعی خشونت سیاسی از قدمت طولانی برخوردار است. اما در گذشته این امر به طور عمده با سوء قصد برابری داشت و تقریباً فاقد انگیزه‌های سیاسی بود که در حال حاضر عمدتاً بر این اساس شناخته می‌شود. اما در دوره جدید که از اوایل دهه ۱۹۶۰ شروع می‌شود تروریسم اشکال جدیدی به خود گرفت؛ از جمله هواپیمارهایی که در حقیقت نشانگر تسری تروریسم به ابعاد تکنولوژیک نیز می‌باشد در این دوران انگیزه ایدئولوژیک نیز از جمله عوامل دیگر انگیزه‌های تروریستی به شمار می‌آیند.^(۲۱) با پایان جنگ سرد باز شاهد تحولات دیگری در زمینه تروریسم بودیم که از جمله مهم‌ترین آن‌ها دخالت دولت‌های زیادی در این زمینه بود که تحت عنوان تروریسم دولتی معروف گردید. در حال حاضر آنچه که به عنوان شیوه و شکل رایج تروریسم مطرح است، اقدامات تروریستی برخی گروه‌هاست که خواهان تغییر وضع موجود در سطوح مختلف، منطقه‌ای و بین‌المللی هستند.

این گروه‌ها عمدتاً با اتکاء به پیشرفت‌های تکنولوژیک از قدرت عمل به مراتب بیشتری نسبت به گذشته برخوردارند. به عنوان مثال امکان استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی شامل سلاح‌های شیمیایی، هسته‌ای توسط یک گروه تروریستی، قدرتمندترین کشورها را نیز با مشکل مواجه ساخته است.^(۲۲) با گسترش صنعت ارتباطات نوع جدیدی نیز تحت عنوان سایبر تروریسم یا تهدیدات الکترونیک مطرح شده است که اگر نمونه‌هایی از این اقدامات را تصور کنیم، مثل ورود در شبکه‌های کامپیوتری برج‌های مراقبت پرواز در فرودگاه‌ها یا اختلال در ترکیبات شیمیایی کارخانجات داروسازی از طریق ارتباطات کامپیوتری و برخی از موارد دیگر مثل خراب‌کاری‌ها و سرقت‌های کامپیوتری، نشان می‌دهند که ابعاد فاجعه انسانی این اقدامات چقدر می‌توانند عمیق باشند. امروزه کشورهای زیادی در معرض تهدیدات تروریستی قرار

گرفته و آن را از جمله تهدیدات اولیه امنیت ملی خود تلقی می‌کنند.

البته با توجه به عواقب سوء این اقدامات نسبت به صلح و امنیت ملی و بین‌المللی اقدامات زیادی چه از طریق قوانین ملی و چه قوانین بین‌المللی برای کنترل و مهار حرکت‌های تروریستی صورت گرفته است.^(۲۳)

۲-۴- سلاح‌های کشتار جمعی و موشکی - به طور کلی، اصلی‌ترین ابزار تهدید امنیت نظامی همان تسلیحات هستند. اما به مرور زمان نقش و جایگاه هر یک از انواع تسلیحات در تأمین امنیت نظامی تفاوت کرده است. درحالی‌که برخی تسلیحات بسیار ساده در گذشته حتی ممکن بود سلاحی استراتژیک به شمار بیایند، امروزه سلاح‌هایی جدید با قدرت عمل زیاد و بسیار دقیق به وجود آمده‌اند که با توجه به این که به خصوص در اختیار و کنترل برخی از کشورها یا احتمالاً گروه‌ها هستند، قدرت تأثیر و نفوذ ناشی از آن تسلیحات به مراتب بالا می‌باشد. سلاح‌های کشتار جمعی و موشکی از جمله این تسلیحات هستند، به خصوص که موشک‌ها با حمل سلاح‌های کشتار جمعی به عنوان مکمل تهدید ناشی از این تسلیحات به شمار می‌آیند. لذا هرچند قوانین و مقررات بین‌المللی متعددی نیز برای کنترل اشاعه افقی و عمودی تسلیحات مزبور وضع شده،^(۲۴) هنوز کنترل کامل بر روی آنها به دست نیامده است و اشاعه آنها ادامه دارد.^(۲۵)

درحالی‌که در زمان جنگ سرد و حاکمیت نظام دوقطبی به دلیل کنترل و سلطه رهبران دو قطب بر متحدان خود امکان اشاعه بسیار محدود بود، پس از پایان جنگ سرد و تغییر محیط امنیتی امکان اشاعه به مراتب بالاتر رفته است. به طوری که هند و پاکستان در سال ۱۹۸۸ اقدام به آزمایشات هسته‌ای کردند که اتفاقاً نامنی ناشی از این آزمایشات براوضاع کشورهای مزبور و منطقه آثار سوئی برجای گذاشت.^(۲۶)

به طور کلی آثار امنیتی سلاح‌های کشتار جمعی و موشکی بر هیچ کس پوشیده نیست، ولی ابعاد آن نسبت به کشورهای مختلف متفاوت است. به طوری که کشورهای دارنده از تهدید

تلافی متقابل دل نگران هستند و کشورهای فاقد این تسلیحات نیز در مقابل استفاده از آنها علیه خود دل مشغولی دارند.

۳-۴- جنگ‌های نامتقارن - عمده‌ترین شکل تهدید امنیت نظامی جنگ می‌باشد. به خصوص اگر جنگ بین یک دولت ضعیف و یک دولت قوی و یا بین دولت و یک گروه مبارز باشد، در این صورت جنگ نامتقارن اتفاق می‌افتد که در آن دولت قوی توسط دولت و گروه ضعیف در معرض تهدید است. اما اگر یک دولت قوی با چندین دولت ضعیف درگیر شود، اوضاع امنیتی حتی برای کشور قوی نیز چندان مساعد نخواهد بود. با پایان جنگ سرد و عدم شکل‌گیری نظام حقوقی و سیاسی بین‌المللی و تثبیت اوضاع و وضعیت پیچیده‌ای از نظر جنگ‌های نامتقارن به وجود آمده است. (۲۷)

۵. خلع سلاح و کنترل تسلیحات - بحث خلع و کنترل تسلیحات از جمله مباحثی است که شاهد تحولات و پیشرفت‌های بسیار زیادی بوده است. در دهه ۱۹۹۰ چندین قرارداد بین‌المللی چندجانبه و دوجانبه مثل کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی و قرارداد منع جامع آزمایشات هسته‌ای پایه عرصه وجود گذاشته و یا مثل کنوانسیون سلاح‌های میکروبی و نیز قرار منع اشاعه سلاح‌های هسته‌ای تقویت شده‌اند. همچنین قراردادهای دوجانبه ناظر بر سلاح‌های استراتژیک بین آمریکا و روسیه تصویب شده‌اند. در اقدام جهانی برای پیشبرد خلع سلاح و کنترل تسلیحات کشورهای مختلف اعم از پیشرفته یا در حال توسعه دخیل بوده‌اند. هرکدام از این کشورها از منظر منافع ملی خاص خود نسبت به مشارکت در روند صلح خلع سلاح و کنترل تسلیحات اقدام کرده‌اند. از جمله اهداف مشترک در این اقدام، تلاش برای افزایش امنیت ملی از طریق کاهش تسلیحات و امکان به کارگیری آنها بوده است. اما مسأله اینجا است که این امر به چه میزان قادر به تأمین امنیت ملی بوده و در عمل توانایی خود را برای حصول این هدف نشان داده است. اقدام به تأمین امنیت ملی از طریق خلع سلاح و کنترل تسلیحات نه تنها به قانونمند کردن روابط بین‌الملل کمک کرده و

به هر حال ملجائی برای کشورها و به خصوص کشورهای ضعیف به شمار می‌رود، به کشورها کمک می‌کند تا از تخصیص منابع زیاد به تسلیحات، به سوی سرمایه‌گذاری در بخش‌های اجتماعی حرکت نمایند و این امر سبب خواهد شد که کل جامعه بین‌المللی پایبندی لازم را نسبت به مقررات مندرج در قراردادهای بین‌المللی خلع سلاح و کنترل تسلیحات داشته باشند. اما اگر این مقررات به صورت گسترده و یا حتی از سوی یک کشور نقض شوند، اعتماد به آن قراردادها به عنوان ضامن امنیت ملی از بین خواهد رفت. چنین وضعیتی در کنار وضع تبعیض آمیز برخی قراردادهای موجب انتقاداتی شده است. (۲۸)

بخش سوم (نتیجه‌گیری

این بخش اختصاص به ارزیابی یافته‌های تحقیق دارد که در بخش قبل به صورت آثار جهانی شدن بر ابعاد مختلف بازدارندگی مورد بررسی قرار گرفت. به عبارت دیگر ارزیابی آثار جهانی شدن بر بازدارندگی در تئوری و عمل موضوع اصلی این بخش است.

۱. نتایج عملی

تأثیر دوگانه: جهانی شدن از یک طرف موجب گسترش فن‌آوری نظامی می‌گردد، زیرا در اثر آن دانش فنی صنایع نظامی با اتکاء به شبکه عظیم ارتباطات در سراسر جهان گسترش می‌یابد، حتی استراتژی‌ها و تاکتیک‌های عملیاتی کشورها بر روی اینترنت قرار می‌گیرد. اینترنت کسب اطلاع از میزان توانایی‌ها و مقاصد نظامی کشورها را تسهیل نموده است و در نتیجه شاید چنین به نظر بیاید، که با روند جهانی شدن عناصر بازدارندگی تقویت شده‌اند. از سوی دیگر جهانی شدن فرهنگ و رفتار خاصی را نیز ترویج می‌دهد که اصولاً توسل به خشونت و بالتبع بازدارندگی را تضعیف می‌نماید. در نتیجه جهانی شدن درحالی که می‌تواند به تقویت بازدارندگی بیانجامد، در کنار گسترش فرهنگ صلح و عدم توسل به زور، با توجه به دلایل دیگر که در زیر توضیح داده خواهند شد، به تضعیف بازدارندگی کمک می‌کند.

اشاعه تسلیحات: پس از گسترش سلاح‌های هسته‌ای در شبه قاره هند هر چند هنوز موقعیت بین‌المللی رسمی کسب نکرده، این سؤال مطرح است که آیا آزمایشات هسته‌ای هند و پاکستان به افزایش امنیت که از جمله اهداف بازدارندگی است، منجر شده یا امنیت را کاهش داده است؟ مطالعه آثار و عواقب این آزمایشات نشان می‌دهد که در اثر آزمایشات، امنیت کل منطقه به خطر افتاد، به طوری که دو کشور در فاصله‌ای نه چندان دور از این آزمایشات، درگیر یک بحران نظامی شدند و بحران کارگیل در صورت ادامه می‌توانست به درگیری‌های جدی‌تر و شاید درگیری اتمی بیانجامد. همچنین در اثر این آزمایشات هر دو کشور تاوان زیادی پرداختند و مجبور به تحمل تحریم‌های سنگین شدند که بر توان اقتصادی و تکنولوژیکی آنها بار سنگینی بود. از آثار غیرمستقیم این آزمایشات می‌توان به سقوط دولت‌های حاکم دو کشور هند و پاکستان نیز اشاره کرد. دولت واجپایی در هند هر چند شانس روی کار آمدن مجدد را به دست آورد ولی نواز شریف با کودتای نظامی به دلایل مختلف از جمله محاسبات او در برابر هند، سرنگون شد. ارتش پاکستان بر اتخاذ موضعی قویتر در برابر هند تأکید داشت و معتقد بود نواز شریف ضعیف عمل کرده است. پس از دست‌یابی به بمب هسته‌ای هر دو کشور اقدامات خود را به دلیل بازدارندگی توجیه کرده‌اند، ولی هنوز سطح بازدارندگی را مشخص نکرده‌اند که آیا به بازدارندگی حداکثر یا حداقل معتقدند. در کنار این، برخی دیگر از مشکلات نظیر عدم تعیین دکترین هسته‌ای، ضعف سیستم کنترل و فرماندهی و نیز عدم توافق هسته‌ای بین دو کشور تأثیر سویی بر توان بازدارندگی آنها گذاشته است و نیز به دلیل فشارهای بین‌المللی بازدارندگی آنها به حالت مخفی درآمده است.

رفتار بازیگران بین‌المللی: در حال حاضر، بازدارندگی در سطح نظام بین‌الملل به همان معنی دوران جنگ سرد وجود ندارد. صرفاً برخی از قدرت‌های بزرگ مثل آمریکا در یک طرف و روسیه و چین در سوی دیگر می‌خواهند همچنان قدرت نظامی خود را حفظ و حتی ارتقا بخشند تا از رقبا عقب نمانند. این اقدام دولت‌های مزبور بر مفهوم بازدارندگی استوار نبوده و صرفاً به صورت رقابت بین آنهاست. در سطح منطقه‌ای است که برخی از دولت‌ها مثل هند و پاکستان و یا

برخی از دولت‌های خاورمیانه معتقد به سیاست بازدارندگی هستند ولی باز رفتار و اقدامات آنها متفاوت از رفتار و اقدام امریکا و شوروی در زمان جنگ سرد می‌باشد.

۲. نتایج مفهومی

طرح مجدد اخلاقیات در روابط بین‌الملل: همانطور که در مورد تأثیر دوگانه جهانی شدن بر بازدارندگی گفته شد، با پیشرفت روند جهانی شدن نوعی فرهنگ مبتنی بر ارزش‌های انسانی مثل دوری از توسل به زور، تنش زدایی و گفتگو به جای برخورد در روابط بین‌الملل گسترش یافته است. به طوری که دولت‌ها مثل سابق نمی‌توانند به زور متوسل شده یا تهدید کنند. جنبش‌های صلح طلبی که در سراسر دنیا به راه افتاده و از طریق ارتباطات شبکه‌ای به راحتی موجی علیه توسل به زور می‌توانند مطرح کنند یا حتی فراتر از آن با فعال شدن سازمان‌های غیردولتی و افکار صلح طلبانه گروه‌های متعددی در دنیا علیه وجود سلاح‌های هسته‌ای به مبارزه پرداخته و خواهان انهدام آنها شده‌اند. در چنین شرایطی آیا بازدارندگی مثل گذشته پاسخگوی خواسته‌های کشورها خواهد بود؟ در مقابل این سؤال مشکلی جدی وجود دارد و هم‌چنان که گفته شد، عدم اتخاذ سیاست بازدارندگی (البته با تأکید بر بعد نظامی) در سطح نظام بین‌الملل می‌تواند مؤید همین ادعا باشد.

بطور کلی پیشرفت قراردادهای بین‌المللی خلع سلاح و کنترل تسلیحات نقش زیادی در بی‌توجهی به مفهوم بازدارندگی دارد و در نهایت امر کشورها در سیاست‌های امنیتی خود به تلفیقی از بازدارندگی و سیاست‌های خلع سلاح روی می‌آورند، البته سهم هر یک از اینها در معادلات امنیتی کشورها به شرایط خاص آنها بستگی دارد.

در مورد این قراردادها ذکر یک نکته جالب توجه است، درحالی که در سال‌های اوج جنگ سرد هرگونه سخن گفتن از خلع سلاح و کنترل تسلیحات بسیار عبث می‌نمود، زیرا پیشنهاد مثبت هر یک از طرفین با تفسیرها و شک و بدبینی طرف مقابل رد می‌شد، در چنان شرایطی طرح توافق در مورد تسلیحات و بخصوص توافق در مورد مسائل پیچیده‌ای همچون

بازرسی بسیار بعید بود، ولی دیدیم که دوران تنش زدایی اثر مثبت خود را در پیشبرد این قراردادها برجای گذاشت و نهایتاً این مسائل نمود عینی یافتند. حال هرچند خلع سلاح هسته‌ای کامل در شرایط فعلی بعید است ولی در آینده وضعیت به چه شکل خواهد بود. تحولات موجود حکایت از آن دارند که حداقل در صورت استفاده از سلاح هسته‌ای حتی یک کشور دارنده رسمی باید منتظر عواقب پیچیده‌ای باشد و اصولاً تغییر عمده نیازهای دولت‌ها از نیازهای نظامی به نیازهای اقتصادی و سیاسی باعث شده تا ابزارهای نظامی و بخصوص سلاح هسته‌ای وسیله نامناسبی برای اهداف اقتصادی و سیاسی باشد که تأمین اینها مستلزم همکاری است نه درگیری. در مجموع می‌توان گفت که در اثر جهانی شدن: ۱. بازدارندگی (در بعد نظامی) به صورت عملی و گسترده کنار گذاشته شده است ۲. بازدارندگی از حوزه نظامی به حوزه‌های دیگر مثل مسائل سیاسی و اقتصادی نیز سرایت کرده است ۳. بازدارندگی از سطح سیستم بین‌المللی همانند زمان جنگ سرد به سطوح پائین‌تر و در روابط بین کشورهای خاص مثل هند و پاکستان منتقل شده است ۴. از نظر تئوری نیز در حال حاضر به بازدارندگی مثل گذشته پرداخته نمی‌شود و در مطالعات امروزی روابط بین‌المللی حتی در حوزه مباحث امنیتی و استراتژیک همکاری و هم‌گرایی بیش از منازعه و واگرایی مورد توجه است.

البته باز لازم به تذکر است که در دنیای به هم تنیده کنونی که پدیده‌های عالم به صورت فزاینده و در سطح جهانی با هم در ارتباط هستند، مسائل جدی وجود دارد که مطالعه بازدارندگی را پیچیده‌تر می‌کند. آیا در صورت تهدیدات شبکه‌ای - که دارای‌های عمده کشورها بر روی آنها مستقر است و عملی شدن تهدیدات خسارات زیادی به بار خواهد آورد - وسیله مناسب تأمین بقا چیست؟ آیا افراد و شرکت‌های چندملیتی و سازمان‌های غیردولتی نیز در این محاسبات پیچیده قادر به ایفای نقش هستند؟ اینها سؤالاتی هستند که نتیجه‌گیری قطعی را مانع می‌گردند.

یادداشت‌ها

۱. مجید مختاری، "امنیت نظامی در پرتو جهانی شدن"، کتاب دوم گفتمان امنیت ملی به اهتمام مجید مختاری (تهران: مؤسسه مطالعات سیاسی و فرهنگی اندیشه ناب، تابستان ۱۳۸۰).
- Trevor Findly. "Weapons of Mass Destruction" in R. Thakur, E. Newman (Eds.), *New Millennium, New Perspectives*. (Tokyo: UNU, 2000).
۲. برای اطلاع بیشتر مراجعه کنید به فصلنامه سیاست خارجی، ویژه‌نامه جهانی شدن، تابستان ۱۳۷۹.
۳. میزگرد جهانی شدن و امنیت ملی کتاب دوم گفتمان امنیت ملی، به اهتمام مجید مختاری (تهران: مؤسسه مطالعات سیاسی و فرهنگی اندیشه ناب، تابستان ۱۳۸۰، ص ۱۲).
۴. این تعریف از منبع زیر گرفته شده است: فردین قریشی، "جهانی شدن و نوسازی تفکر دینی"، رساله دکتری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۰.
۵. فرهنگ رجایی "نظریه‌های روابط بین‌الملل در دنیای جهانی شده"، فصلنامه سیاست خارجی، سال چهاردهم، تابستان ۱۳۷۹، ص ۵.
۶. همان.
- F. Iechner and J Bolli, *Globalization Reader* (Oxford: Blackwell, 2000), pp.10-24.
7. Alexander L. George and Richard Smoke, *Deterrence in American Foreign Policy* (New York: Columbia University) p. II.
۸. جیمز دوثرتی و رابرت فالترز گراف، نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، (تهران: نشر توس، ۱۳۷۲) ص ۵۹۵.
۹. همان، صص ۶۶۴-۵۹۵.
۱۰. برای اطلاع بیشتر از تحولات مربوطه رجوع کنید به:
- آنتونیو کاسسه: حقوق بین‌الملل در جهان نامتحد: ترجمه مرتضی کلانتریان (تهران: دفتر خدمات حقوقی - ۱۳۸۰)، سعید میرزایی، تحول مفهوم حاکمیت (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۹)، و احمد نقیب‌زاده، تئوری‌های کلان روابط بین‌الملل (تهران: نشر توس، ۱۳۷۹).
11. Y. Dava, "The Role of Technological Revolution in War", *Strategic Analysis*, Jan. 1990. pp.

1058-1070.

12. J. Singl, "Military Technology and International Security", *Strategic Analysis*. Dec 1987, pp. 1920-1991, *Science and Technology: Between Civilian and Military, Research and Development*, (UNIDR, 1990).

۱۴. برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به: "انقلاب در امور نظامی: جنگ، ماهنامه گزارش‌ها و تحلیل‌های نظامی و استراتژیک، ترجمه رسول افضلی، شماره ۷، مهرماه ۱۳۷۹.

16. Creg Mills, "A 21st Century Security Agenda, the end of defense as we know it? *Strategic Analysis*, No 1997, p. 107.

17. *Ibid.* p. 110.

18. *SIPRI Yearbook 2000*. p. 1005.

19. Deba. R. Mohanty "Defence Industries in a Changing World: Trends and Options" *Strategic Analysis*, No. 10, Jan. 2000. p. 1661.

20. Creg Mill, *op.cit.*, p. 103.

۲۱. اسماعیل بقایی، "در مسیر تحول تاریخی شیوه‌های تروریسم"، ماهنامه گزارش و تحلیل‌های نظامی استراتژیک خرداد ۱۳۷۹، ص ۸

۲۲. فرانک کارلوچی و دیگران، پیشین، ص ۴۴.

۲۳. ر.ک: اسحاق آل حبیب "سازمان کنفرانس اسلامی و مبارزه با تروریسم" در مجموعه مقالات همایش ارزیابی نیمه اول دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران بر سازمان کنفرانس اسلامی، به اهتمام حیدرعلی بلوچی، (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۰)، صص ۵۶-۵۵.

۲۴. ر.ک: جمشید ممتاز، حقوق بین‌الملل سلاح‌های کشتار جمعی، ترجمه و تحقیق امیرحسین رنجبریان (تهران: نشر دادگستر، ۱۳۷۷).

۲۵. ر.ک: حیدرعلی بلوچی "آخرین وضعیت اشاعه سلاح‌های هسته‌ای در سال ۲۰۰۰" نگاه، شماره ۷، ۱۳۷۹، صص ۲۹-۲۶.

۲۶. ر.ک: حیدرعلی بلوچی "تهدیدات و تمهیدات هسته‌ای دهه آینده، فصلنامه امنیت ملی، زمستان ۱۳۷۸، شماره ۲.

۲۷. فرانک کارلوچی و دیگران، پیشین، صص ۷-۳.

28. Nirmal Jindal "Globalization and Security: Different Dimensions" *Journal of Peace Studies*, Vol. 7 Issue 5. Sep- Oct. 2000, p. 35.